



دانشنامه الگو دهی زن از منظر قرآن کریم

قسمت دوم
سکینه افروند

در نوشتار پیشین بیان کردیم که الگوها در قرآن یا به شکل عینی و مجسم معرفی شده یا به بیان ویژگی‌ها به منظور عبرت‌گیری (الگوهای علمی) پرداخته شده است. به همین منظور از الگو دهی زن در حوزه‌ی اخلاقی و فرهنگ و اعتقادات سخن گفتیم و از زبان قرآن، حضرت آسیه و حضرت مریم علیها السلام را به عنوان الگوی ایمان راستی و توکل مادر حضرت موسی علیه السلام را الگوی عطاقت و مهربانی، و دختران حضرت شعیب علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام را به عنوان الگوهای عفاف و پاکدامنی معرفی کردیم. حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان الگوی زهد و ایثار، و ملکه‌ی سیا را الگوی حق‌پذیری، و از آسیه در مسأله امر به معروف و نهی از منکر یاد نمودیم.

و اینک:

الگو دهی
بنا به ض
لازم و
اکید قرآ
می فرمای
الف. ان
قرآن کر
می نماید
وجود بر
حتی یص
می فرمای
ملین رد
می دادند
گوسفند
البتفسار
نیست؟ و
را آب نم
سالخورده
همین رو
نکات ام
کم و
گونه‌های از
برهنگ و
خود بی‌ر
خسورشار
زرد دل و
۲. اجتناد
حضرت ما
زمینه تحق
۳. دخالت
حضرت مر
به پدر پیش
۴. پوهیز
دختران حد
نامحرم دو



۵۵۹



الگوهای زن در حوزه‌ی مسایل اجتماعی و اقتصادی

بنا به ضرورت؛ حضور زن در جامعه و خدمت رسانی در امور لازم و مقتضی ملازم با رعایت شؤون دینی و اجتماعی سفارش اکید قرآن شریف است که در همین راستا نمونه‌هایی را بیان می‌فرماید:

الف. الگوی معاشرت با نامحرم:

قرآن کریم در این باره، دختران حضرت شعیب علیه السلام را معرفی می‌نماید: ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْكُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْبُ حَتَّىٰ يُصَدِّقَ الرَّعَاءُ وَ أُوْنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾^(۱) علامه طباطبایی رحمته الله می‌فرماید: «معنای آیه این است که وقتی موسی علیه السلام به آب مدین رسید، در آنجا جماعتی را دید که به گوسفندان خود آب می‌دادند و در نزدیکی آن‌ها دو زن را دید که از نزدیک شدن گوسفندان به آب جلوگیری می‌کردند. حضرت موسی علیه السلام از راه استفسار سؤال کرد که چرا مردی همپای گوسفندان آن‌ها نیست؟ و آنان جواب دادند: ما عادت‌مان این است که گوسفندان را آب نمی‌دهیم تا دیگران قارغ شوند و پدیرمان پیرمردی سالخورده است و خود نمی‌تواند متصدی این کار باشد، از همین رو ما این کار را می‌کنیم.»^(۲)

نکات آموزنده‌ی آیه‌ی مورد نظر:

۱. کم و گزیده سخن گفتن؛ بهتر آن است که کلمات به گونه‌ای انتخاب شود که حاوی مطالب مناسب و برخاسته از فرهنگ و بینش باشد. دختران حضرت شعیب علیه السلام با سخن خود بی‌رغبتی و پرهیز از برخورد با مردان اجنبی و نیز علت حضورشان را برای این کار بیان نمودند و بدون سخن پردازی و درد دل و سخن گفتن از مشکلات روزگار پاسخ کافی را دادند.
۲. اجتناب از جست و جو در احوال نامحرم؛ شناسایی حضرت موسی علیه السلام را بر عهده‌ی پدر گذاشتند و خود در این زمینه تحقیق و سؤال نمودند.
۳. دخالت نکردن در امور سرپرستی پدر؛ هنگامی که حضرت موسی علیه السلام را برای چوپانی صالح تشخیص دادند؛ فقط به پدر پیشنهاد نمودند تا اگر او صلاح می‌داند، اقدام کند.
۴. پرهیز از برخورد و نزدیک شدن به نامحرم؛ دختران حضرت شعیب علیه السلام سعی داشتند که از اختلاط با نامحرم دوری کنند و کار و مسؤلیت‌های خارج از خانه، بهانه-

ای برای این ارتباط نشود: ﴿... وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ...﴾

۵. مراقبت بر نحوه‌ی رفتار؛ آن‌گاه که ناگزیر به اجرای دستور پیامبر شدند و موسی علیه السلام را به سوی پدر فراخواندند نیز با حیای کامل قدم بر داشتند.

۶. رعایت احتیاط؛ در روایت آمده است که حضرت موسی علیه السلام از جلو حرکت می‌کرد و دختران شعیب از پی او می‌رفتند و این کار به تقوا نزدیک‌تر است.

ب. الگوی در مشورت:

قرآن کریم از ملکه‌ی سبأ که پس از مشورت با بزرگان و صاحبان اندیشه و رأی نیکو راه صحیح را انتخاب نمود، یاد می‌کند او که براساس شیوه متداول خویش پس از دریافت نامه‌ی حضرت سلیمان علیه السلام محتوا و عظمت نامه را بیان کرد تا اعضای شورا کار را جدی بگیرند و نظر پخته و قابل قبول ارائه دهند ﴿إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابَ كَرِيمٍ﴾ و آن‌گاه که رأی مشاوران را صلاح ندید، با دلیل کلامشان را رد کرد و راه حل خودش را ارائه نمود: ﴿وَإِنِّي مَرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِعِدَّتِهِ﴾ او نه تنها از رخداد جدید مرعوب نشد، بلکه از قوه‌ی تعقل خویش کمک گرفت و راه را برای هرگونه اقدام عجولانه بست و خود نیز دست به جنگ و اسلحه با حضرت سلیمان علیه السلام نبرد.

ج. الگوی در مشاغل اجتماعی:

از دیدگاه قرآن، زنان همانند مردان می‌توانند در امور مختلف جامعه (مگر در موارد خاص) از جمله در مسایل اقتصادی شرکت کنند. همچنان که دختران حضرت شعیب علیه السلام مخارج زندگی خود را از راه شبانی - شغل رایج آن زمان - تأمین می‌کردند و از این نظر ایرادی به آن‌ها گرفته نمی‌شد. امروز نیز حضور در جامعه و به عهده گرفتن مشاغل اقتصادی برای زنان نه تنها ایراد ندارد، بلکه به هنگام ضرورت لازم به نظر می‌رسد. آن‌چه مورد اهمیت است اول این است که آن کار موافق شأن و جایگاه خانوادگی و اجتماعی زن باشد و دوم نیز متناسب با قدرت و توانایی او باشد و محیط کار و فعالیت به گونه‌ای نباشد که زمینه را برای گناه و فساد در جامعه فراهم نماید.

الگوهای زن در حوزه‌ی مسایل عبادی

۱. الگوی اخلاص و تقوا؛ آن‌گاه که «حنه» مادر حضرت مریم علیه السلام برای به اجابت رسیدن دعایش فرزند را برای خدمت

در خانه‌ی خدا نذر کرد: ﴿... رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي
مَحْرُورًا﴾^(۳) منظورش این بود که فرزند تحت ولایت خداوند
داخل شود و تنها او را بپرستد.^(۴) از این رو پس از تولد فرزند، او
را «مریم» نام نهاد. کلمه‌ی مریم در لغت آن شهر به معنای زن
عابد و خدمت‌کار است و این از باب محرز نمودن دختر و ادای
نذر خویش می‌باشد. و حکایت نمودن این عمل از جانب خدای
متعالم نشان از قبول نمودن نذر مادر مریم را دارد: ﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا
بِقَبُولٍ حَسَنٍ...﴾ همچنان که آیات شریفه‌ی قرآن بدان اشاره
دارد: زمانی عمل مورد پذیرش حضرت حق قرار می‌گیرد که
براساس تقوا و اخلاص باشد: ﴿... إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^(۵)

اصطی «مریم» و پرورش او به نیکوترین صورت، نشانگر
منالجات خالصانه‌ی مادر مریم است. گذشته از این علامه
طباطبایی^(۶) تطهیر و گزینش مریم^(۷) را از میان زنان و الگو
قرار دادن وی را بر زنان و مردان عالم عبارت از استجابت دعای
مادر می‌داند.^(۸)

نکته دیگر این است که مادر به خدای متعال عرض می‌نماید:
﴿وَأَنِّي أُعِذُّهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ او از خداوند
می‌خواهد که فرزند و نوادگانش به واسطه‌ی گوهر ناب اخلاص
در پناه خدا از شر شیطان در امان بمانند و این تقاضا اشاره به
اخلاص حقیقی او می‌کند. زیرا شیطان قسم خورده‌ی انجوائی
بنی آدم است مگر کسانی که به اخلاص رسیده‌اند: ﴿قَالَ
فَبِمَنَ لِّكَ لَأَعُوذَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾^(۹)

از نمونه‌های تام و تمام تقوا و اخلاص وجود ذی جود حضرت
مریم^(۱۰) آن است که وقتی حضرت زکریا^(۱۱) سرپرست
مریم شد، هر زمان که به او سر می‌زد، غذای حضرت
مریم^(۱۲) آماده بود و چون از وی سؤال می‌کرد، قانع نمی‌شد،
زیرا آن رزق معمول همه‌ی مردم نبود، بلکه به جهت کرامت
خدای متعال بر بنده‌اش روزی شده بود: ﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ
حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا
الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ
عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^(۱۳)

۲. الگو در گزینش مکان عبادت؛ رعایت یک سلسله
آداب و شرایط در انجام عبادات ارزش ویژه‌ای بدان‌ها می‌بخشد
و سبب قرب بیشتر انسان به خدا می‌شود.

برخی از این آداب مشترک بین زن و مرد و برخی ویژه‌ی هر
کدام است. عبادت در مکانی که از دید نامحرمان مستور و
پوشیده باشد و حریم بین زن و مرد رعایت شود، از آن جمله
است. خداوند «مریم برگزیده» را در این جهت نیز به عنوان
الگوی جامع الاطراف معرفی فرموده است: ﴿وَأَذَكَّرُ فِي الْكِتَابِ

مَرِيْمَ إِذْ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۝ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ
حِجَابًا...﴾^(۱۴) بنا بر نظر علامه طباطبایی^(۱۵) کلمه‌ی «حجاب»
بناظر منظور است که گویا مریم خود را از اهل خویش پوشیده
داشت تا قلبش برای اعتکاف و عبادت فارغ‌تر باشد.^(۱۶) و این

معنا از کلمه‌ی «دخل» در آیات گذشته نیز استفاده می‌شود، چون
حضرت مریم^(۱۷) در جایی قرار داشت که دیگران او را نمی-
دیدند و حضرت زکریا^(۱۸) نزد ایشان می‌رفت.

۳. الگو در مناجات و دعا و عبادت؛ خداوند در پاسخ به
تقاضای حضرت زکریا برای فرزنددار شدن فرمود: ﴿فَاسْتَجِبْنَا لَهُ
وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَوَعَدْنَا لَهَا وَرَهْبًا وَاكْنُوتًا خَاشِعِينَ﴾^(۱۹)

به کار بردن ضمیر جمع، به خاندان حضرت زکریا^(۲۰) بر می-
گردد و گویا تعلیلی است برای جمله‌ی مقدر که از سابقه‌ی
کلام فهمیده می‌شود و تقدیر کلام این است که انعام ما به
ایشان به جهت آن بوده است که به سوی خیرات می‌شتافتند و
ما را به خاطر رغبت در رحمت و یا به خاطر ثواب و رهنیت و
ترس از غضب و یا عقاب می‌خواندند و دل‌هایشان در برابر ما
خضوع داشت.^(۲۱) شاهد بر ادعای ما نحوه‌ی دعا، مناجات و
تضرع به درگاه الهی است که نشانه‌ی اوج ارتباط صادقانه و
خالصانه توأم با بیم و امید به خداست. به هر تقدیر خداوند این
بانو را در کنار حضرت زکریا^(۲۲) پیامبر^(۲۳) با این ویژگی‌ها ستود
و او را به عنوان الگویی کامل معرفی نمود، همچنان که مادر
حضرت مریم^(۲۴) مورد نظر قرآن است.

از دیگر نمونه‌های قرآنی در این زمینه دعای حضرت آسیه
است: ﴿... رَبِّ إِنِّي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجْنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ
عَمَلِهِ وَنَجْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^(۲۵) که در سخت‌ترین شرایط راه
نجات را می‌جوید و در جنگ و تزاخم عوامل مختلف در جست
و جوی راهی برای دست‌یابی به کمالات معنوی خویش است.

۴. الگو در توبه و استغفار؛ ملکه‌ی سبأ از جمله‌ی این راه
یافتگان است: ﴿قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ
فَهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۲۶) آن بانو وقتی نشانه‌های نبوت حضرت
سلیمان را مشاهده کرد، پرده‌های کفر را کنار زد و به فطرتش
بازگشت و با وجود شخصیت و موقعیت خاص سیاسی و
حکومتی، ایمان و هدایت را ارزنده‌تر از ظواهر مادی و طبیعی -
شمرد و دست از انحراف برداشت و توبه کرد. ابتدا به خطای
خویش اقرار کرد و سپس اظهار ایمان نمود و به صورتی شیوا و
زیبا خدای رحمان را دریافت و اطاعت خود را از پیامبر خدا ابراز
نمود: «أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ فَهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و در برابر حاکمیت
حق تعالی حکومت طلبی را به فراموشی سپرد.

الگودهی در حوزه‌ی مسایل سیاسی

قرآن حضور زنان را در طول تاریخ نسبت به مسایل سیاسی نیز
مورد تأیید و تأکید قرار داده است و این حضور در حوزه‌ی مبارزه
با کفر و کافران، در حوزه‌ی مسایل اطلاعاتی، بیعت با رهبری و
... نموداری آشکار است.

۱. الگوی مبارزه با کفر؛ حضرت آسیه از جمله زنانی است
که شجاعانه و قاطعانه در برابر سران کفر ایستاد. مقاومت او
آموزش عملی به تمام بشر در ستیز با کفر و ظلم است: ﴿وَضَرَبَ
اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرَعُونَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ائْتِنِي





عندك بيتاً في الجنة و تجني من فرعون و عمله و تجني من القوم الظالمين ﴿١٦٦﴾ هنگامی که آسیه شاهد معجزه‌ی حضرت موسی علیه السلام و غلبه‌اش بر ساحران شد، ایمان آورد و به همین دلیل فرعون او را از این امر بازداشت و چون با اصرار و تأکید آسیه بر حقانیت حضرت موسی علیه السلام رو به رو شد، دستور داد تا دست و پای او را با چهارمیخ به زمین بکوبند و بیکرش را در مقابل تابش خورشید قرار دهند و سنگی بزرگ را بر سینه‌ی او بگذارند با این وجود باز هم آسیه دست از ایمانش بر نداشت و خدای بزرگ را چنین یاد کرد: «ربّ ابن لی عندك بيتاً فی الجنة» ﴿١٦٧﴾ با این جمله‌ی زیبا تمام آرزوهای یک بنده‌ی شایسته در مسیر عبودیت قرار گرفت. او از تمامی لذت‌های قابل دسترس دنیا چشم پوشید و تنها به قرب خدا و کرامات او امید بست و عاقبت به لقای حق نایل شد.

مادر حضرت موسی علیه السلام نیز که یکی از الگوهای مبارزه با سران کفر است، در واقع زمینه‌ساز تحقق وعده‌ی الهی و بعثت پیامبر خداست.

الگوهای در حوزه‌ی اطلاعات و تحقیقات

یکی از زنانی که نقش اطلاعاتی خویش را به نحو زیبا و با متانتی خاص ایفا کرد و جان مولود مبارک را از چنگال فرعونیان رها نمود؛ خواهر حضرت موسی علیه السلام است. قرآن کریم درباره‌ی این مأموریت اطلاعاتی می‌فرماید: ﴿و قالت لاخيه قُصيه...﴾ ﴿١٦٨﴾ وضع حال او را بی‌گیری کن. و او نیز این مأموریت را انجام داد: ﴿... فبصرت به عن جُثب و هم لا یسْمعون﴾ ﴿١٦٩﴾ موسی را از دور دید، در حالی که فرعونیان متوجه او نشدند. این آیه از هوش و ذکاوت خواهر موسی حکایت می‌کند، که با وجود مشاهده‌ی همه‌ی جریانات آنچنان بر خود مسلط می‌شود که عاقلانه‌ترین تصمیم را می‌گیرد حتی خود را بی‌تفاوت نشان می‌دهد و به قدری با طمأنینه و آرامش رفتار می‌کند و برای سرپرستی حضرت موسی علیه السلام پیشنهاد خود را به راحتی بیان می‌کند که نقشه‌اش آشکار نمی‌شود و اطرافیان فرعون متوجه خویشاوندی او با حضرت موسی علیه السلام نمی‌گردند. خدای سبحان از این قسمت ماجرا به عنوان یکی از الطاف خود بر حضرت موسی یاد می‌کند: ﴿إذ تمشی أخطک فتقول هل أدلکم علی سن یكفله...﴾ ﴿١٧٠﴾

قید "لکم" در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿هل أدلکم علی أهل بیت و یكفلونه لکم و هم له ناصرون﴾ اشاره به دقت کامل و برخورد منطقی خواهر موسی علیه السلام با این قضیه دارد در واقع این خواهر فداکار مأموریت حساس و ظریف خود را در برگرداندن حضرت موسی علیه السلام به آغوش مادر به نحو شایسته انجام داد و صیانت از جان پیامبر خدا را بر عهده گرفت.

در نوشته‌ی پایانی - به قدر کفایت و توان خود - به زوایای الگوهای مظهر اتم و اکمل حضرت صدیقه طاهره علیه السلام خواهیم پرداخت.

ادامه دارد...

بی‌نوشت:

۱. القصص (۲۸) : ۲۳.
۲. علامه طباطبائی رحمته الله علیه، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳.
۳. آل عمران (۳) : ۳۵.
۴. رک: تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۸۴.
۵. المائدة (۵) : ۲۷.
۶. رک: تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۸۸.
۷. ص (۳۸) : ۸۲ و ۸۳.
۸. رک: تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۷۴ - ۲۷۰.
۹. آل عمران (۳) : ۳۷.
۱۰. مریم (۱۹) : ۱۶ و ۱۷.
۱۱. رک: تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳.
۱۲. الانبیاء (۲۱) : ۹۰.
۱۳. رک: تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۶.
۱۴. التحریم (۶۶) : ۱۱.
۱۵. النمل (۲۷) : ۳۴.
۱۶. التحریم (۶۶) : ۱۱.
۱۷. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۰۵.
۱۸. القصص (۲۸) : ۱۱.
۱۹. القصص (۲۸) : ۱۱.
۲۰. طه (۲۰) : ۳۰.

۵۴۲

